

دو هزار سال از آتن تا طوس

(مقایسه تطبیقی سه اثر حماسی ایلیاد، اودیسه و شاهنامه)

تألیف:

دکتر محمد علی

زهره سلیمانی

نشان کتاب

زستان ۱۳۹۷

سرشناسه	مُجیر، مددی؛ ۱۳۴۸-
عنوان و نام‌پیداآور	: دوهزار سال از آتن تا طوس (مقایسه‌ی تطبیقی سه اثر حماسی ایلیاد، اُدیسه و شاهنامه) / مؤلفان: دکتر مُجیر مددی - زهرا سلیمانی
مشخصات نشر	: زنجان: نیکان کتاب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۵۱۹-
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: هومر، قرن ۹ یا ۸ ق. م. ایلیاد — نقد و تفسیر
موضوع	: Homerus, Illiad – Criticism and interpretation :
موضوع	: هومر، قرن ۹ یا ۸ ق. م. اودیسسه — نقد و تفسیر
موضوع	: Homerus . Odysseus – Criticism, interpretation, etc :
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه — نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh – Criticism and interpretation :
موضوع	: شعر حماسی یونانی — تاریخ و نقد
موضوع	: Epic poetry, Greek – History and criticism :
موضوع	: شعر فارسی — قرن ۴ ق. — تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry – 10th century – History and criticism :
موضوع	: ادبیات تطبیقی — یونانی و فارسی
موضوع	: literature – Greek and Persian Comparative :
موضوع	: ادبیات تطبیقی — فارسی و یونانی
موضوع	: Persian and Greek — literature Comparative :
شناسه افزوده	: سلیمانی، زهرا؛ ۱۳۵۸-
رده‌بندی دیوینی	: ۸۰۳ / ۸
رده‌بندی کنگره	: ۹۱۳ / ۳ م ۲ / ۴۴۹۵ PIR
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱۳۴۹ / ۵



دو هزار سال از آتن تا طوس (مقایسه‌ی تطبیقی سه اثر حماسی ایلیاد، اُدیسه و شاهنامه)

تألیف: دکتر مُجیر مددی - زهرا سلیمانی

امور فنی: نیکان کتاب

طراحی جلد: مهدی همایونی

لیتوگرافی: ولیعصر

چاپ اول: زمستان ۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶-۵۱۹-

دفتر نشر:

زنجان، چهارراه سعدی، روبروی بانک پاسارگاد، کوچه باقری، ساختمان سپهر، واحد ۴

تلفکس: ۰۲۴-۳۳۳۳۵۵۴۱-۲

Email: Nikanketab@yahoo.com

www. Nikanketab.ir

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

۱..... مقدمه

فصل اول: نگاهی به ایلیاد، ادیسه و شاهنامه

۲..... هومر

۴..... منظومه‌ی ایلیاد و ادیسه

۵..... موقعیت جغرافیایی منظومه‌های یونانی

۵..... کوه المپ

۶..... جایگاه المپ در اساطیر یونانی

۷..... فردوسی

۸..... منظومه‌ی شاهنامه

۹..... رشته کوه البرز و کوه دماوند

۱۱..... جایگاه دماوند در اساطیر ایرانی

فصل دوم: خدایان، پادشاهان و قهرمانان

۱۴..... خدایان یونان

۴۱..... مقایسه‌ی خدایان، پادشاهان و قهرمانان

۴۱..... نقش حیوانات در کمک‌رسانی به آدمیان

۴۱.....	زئوس و آمانته‌ی بز.....
۴۲.....	پاریس (الکساندر) و ماده‌خرس.....
۴۳.....	زال و سیمرغ.....
۴۵.....	فریدون و گاوی به نام برمایه.....
۴۵.....	داراب و بازرگان.....
۴۶.....	خدایان یونانی و قهرمانان ایرانی.....
۴۶.....	هفائستوس و هوشنگ.....
۴۶.....	مشابهت کزوس و ضحاک در رسیدن به تخت سلطنت.....
۴۶.....	آبولون و ارش کمانگیر.....
۴۷.....	روئین‌تنی آشی و اسفندیار.....
۴۹.....	پادشاهی آگاممنون و کی‌کاش.....
۵۰.....	گریز از میدان نبرد.....
۵۰.....	پاریس و منلاس.....
۵۱.....	افراسیاب و رستم.....
۵۳.....	رستم و اسفندیار.....
۵۴.....	مشابهت‌های دو شخصیت هکتور و رستم.....
۵۶.....	صحنه‌های غم‌انگیز.....
۵۶.....	مرگ پاتروکل توسط هکتور و مرگ سپهراب توسط رستم.....
۵۷.....	سرنوشت مشابه بله‌روفون و سیاوش.....
۶۰.....	مشابهت‌های دو شخصیت اولیس و اسفندیار.....
۶۱.....	چاره‌اندیشی اولیس در قیاس با اسفندیار.....
۶۱.....	سفرهای اولیس و هفت‌خوان اسفندیار.....

فصل سوم: جایگاه ایزدبانوان و زنان

۶۴.....	انواع ازدواج در میان خدایان و ایزدبانوان در منظومه‌های هومر.....
۶۵.....	ایزدبانوان.....

۶۷	همسران زئوس
۷۰	دیگر ایزدانوان تأثیرگذار در المپ
۷۳	موجودات زن نما
۷۴	زنان میرا
۷۵	زنان در شاهنامه‌ی فردوسی
۷۸	مقایسه‌ی زنان ایلید، ادیسه و شاهنامه
۷۸	هلر، آنتیا و سودابه
۸۲	سودابه رودابه
۸۳	آندروماک و فگیس
۸۴	نوزیکاتا رمنیزه
۸۵	پنلوپه و تهمینه

فصل چهارم: طبیعت

۹۳	اسطوره‌های خردمند طبیعت
۹۳	آتش
۹۵	آب
۹۶	موجودات
۹۶	پگار، بلهروفون و شیرنگ بهزاد سیاوش
۹۸	خانتوس آشیل و رخس رستم
۱۰۲	موجودات اهریمنی
۱۰۴	پرندگان

فصل پنجم: نبرد

۱۱۲	نبردهای یونان و ایران
۱۱۴	انگیزه‌های نبرد
۱۱۸	آداب نبرد در یونان و ایران
۱۱۸	رجزخوانی و دانستن نام و نژاد

۱۲۳	 جشن‌های پیروزی
۱۲۶	 جنگ‌آبزارها
۱۲۷	 اسب
۱۲۹	 شیپور و کره‌نای (کرنای)
۱۳۱	 درفش (پرچم)
۱۳۵	 کلاه‌خود
۱۳۸	 زره و ساق‌بند
۱۴۰	 سپر
۱۴۲	 سلاح سرد
۱۴۲	 زوبین
۱۴۳	 نیزه
۱۴۵	 خشت
۱۴۵	 شمشیر و خنجر
۱۴۸	 تبر
۱۴۸	 تیر و کمان
۱۵۰	 گرز
۱۵۲	 غنیمت جنگی
۱۵۳	 آیین کفن و دفن و سوگواری
۱۵۹	 سخن پایانی
۱۶۱	 فهرست منابع
۱۶۷	 توضیحات
۱۷۳	 فهرست اعلام

مقدمه

در بابی آثار هومر، فردوسی و اسطوره‌ها و برگزیدگان دو ملت یونان و ایران سخن بسیار گفته شده است تا بزرگی، شرافت، جوان‌مردی، انسان‌دوستی، گذشت، میهن‌پرستی و بسیاری از خوی و خصلت‌های نیکِ دماستان مورد ستایش قرار گیرد. آن‌چه در ادبیات کهن ایران و جهان به‌خصوص در آثاری چون ایللیاد و اودیسه هرگز و شایان‌نامه‌ی فردوسی به نحوی آشکار به چشم می‌خورد، روح حماسی، سلحشوری و فداکاری، بنیادهای ساطیری، نوع نگاه و دید انسان‌ها به جهان همراه با جنبه‌های عاشقانه و غنایی آن‌هاست. به عبارتی فلسفه‌ی زندگی در این سه اثر به خوبی نمایان است. با یافتن وجوه مشترک تفکر و اندیشه‌ی انسان‌ها در دو خاستگاه متفاوت، یکی در شرق و یکی در غرب می‌توان همبستگی بشر را رقم زد. چه! این نوشته ما نه تنها در زمره‌ی آثار بزرگ و جاویدان ادبیات ملی یک کشور محسوب می‌شوند بلکه تداعی‌کننده‌ی تفکر مردم آن سرزمین نیز هستند. اسطوره‌پردازی در این آثار موجب می‌شود که وحدت یک قوم حفظ شود. در این میان اسطوره‌های حماسی از جایگاه خاصی برخوردارند. هرگاه کشوری مورد تاخت و تاز دشمن قرار گرفته و هویت فرهنگی و اجتماعی آن کشور به خطر افتاده است، ساکنان آن مرز و محله به اسطوره‌سازی پناه برده‌اند تا بدین وسیله فقدان یک قهرمان را که بتواند مانع نابودی ارکان فرهنگی، ملی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن قوم شود، برطرف سازند.

شاهنامه، شاهکار فردوسی، نبرد نیکی با بدی، نور با ظلمت و داد با پیداد است. فردوسی که بزرگ‌مرد اندیشه و خرد است و عقل سلیم و فکر باریک بینش را در بیان افسانه‌ها و حکایت‌های تاریخی به کار برده است، در جای جای شاهنامه، نیکی‌ها را می‌ستاید و بر بدی‌ها و تیرگی‌ها یورش می‌برد. در دو شاهکار بزرگ هومر، ایللیاد و اودیسه نیز همین ساختار فکری، یعنی نبرد نیکی با بدی،

ظلمت با نور و حتی مجادله‌ی خدایان - که آفریننده‌ی نیکی‌ها و بدی‌ها هستند - به وضوح آشکار است. از این دو منظومه‌ی یونانی چنین برمی‌آید که می‌توان با اורاد و عبادت‌های مختلف و تقدیم قربانی، خشم قوای اهریمنی را به رحمت مبدل کرد و گاهی باید با خشم و غضب آنها ساخت. برای نمونه در کتاب اُدیسه، پوزیدون (خدای دریاها و چشمه‌سارها)، بارها بر اولیس خشم می‌گیرد و کشتی او را در میان امواج دریا درهم می‌شکند و او را اسیر خیزاب‌ها می‌کند و اولیس هر بار که نجات می‌یابد برای فرونشاندن خشم او قربانی می‌کند و در واقع می‌کوشد خشم و زبان او را به رحمت و لطف مبدل سازد.

دلایل و جریانی همسانی‌ها و مشابهت‌ها در حماسه‌های ایلیاد، ادیسه و شاهنامه را این‌گونه می‌توان شرح داد:

۱. «عده‌ای از متفکران این اعتقادند که اساطیر ایران تا حدودی ملهم از اساطیر آیین‌های آسیای غربی است و همان‌گونه که مردم سرزمین‌های دیگر با اقوام گوناگون و ملت‌های دیگر، ارتباط و پیوند برقرار کرده‌اند و بر آنها اثر گذاشته‌اند و از ایشان اثر پذیرفته‌اند، اساطیر ما نیز با اساطیر ملت‌های گوناگون درآمیخته و از آنها اثر پذیرفته و بر آنها اثر نهاده است» (بهار، ۱۳۶۸: ۵۷).

۲. «اساطیر ایرانی از خانواده اساطیر آریایی‌اند و - بطورهای آریایی خود از اساطیر هند و اروپایی به شمار می‌روند و یونانیان نیز خود یک شعبه از هند و اروپاییان بودند که به باختر مسافرت کردند» (معین، ۱۳۶۸: ۴۷). بدیهی است که اندیشه‌ی نبرد ظلمت و نور یا باطل و روشنی با تاریکی، با اعتقاد تعدد خدایان در آیین یونانیان و ایرانیان که اجداد آنها بدان معتقد بودند، در بستر اذهانشان وجود داشته، با گذشت زمان در عقاید آنان تحول ایجاد شده است. برای مثال «خدای آریایی‌ها به صورت مذکر و مؤنث شناخته می‌شدند و آریایی‌ها، آسمان را خدای بزرگ می‌دانستند و می‌دانستند که چون از میان خدایان فقط آسمان جاودان است، آن را پدر تلقی می‌کردند و سپیده‌دم را دختر او می‌دانستند و دیوان را پسران او می‌پنداشتند اما به مرور زمان، عقاید یونانیان دگرگون شد، چنانکه آسمان را از پدری خلع کرده‌اند و پسر می‌نامند» (همان: ۱۵۹).

۳. آثار هومر از جمله عالی‌ترین آثار به زبان یونانی محسوب می‌شوند که تأثیر فراوانی بر نویسندگان پس از وی داشته است. «تحقیقات سعید نفیسی این نکته را آشکار کرده است که در

ادبیات ملل مسلمان پس از اسلام، هومر چهره‌ی ناشناخته‌ای نبود، چنان‌که یکی از مترجمان عرب (متوفی در سال ۶۰)، یعنی حدود هفتاد سال قبل از تولد فردوسی، که کتاب‌ها را از زبان‌های سریانی و یونانی ترجمه می‌کرد، در خانه خود راه می‌رفت و شعرهای هومر را از بر می‌خواند» (جمالی، ۱۳۶۸: ۴۴). این تحقیقات نشان می‌دهد که برخی از آثار هومر در دوره ساسانیان به زبان پهلوی ترجمه شده بود و با علاقه شدیدی که فردوسی به این نوع آثار داشت، اگر ترجمه مستقیم آثار هومر را به دست نیاورده باشد، به احتمال قوی از این حماسه‌ها اطلاع داشته است.

۴. علت دیگر همسانی‌ها و مشابهت‌های بین دو حماسه، تلفیق فرهنگی و اجتماعی بین ایرانیان و یونانیان بوده است. «در دوره‌ی پادشاهان سلوکی، اکثر زمین‌های زراعی ایران در دست مالکان بزرگ ایرانی بود. این املاک را میراث کهن بود که به این اشراف ایرانی رسیده بود و یا از جمله املاک سلطنتی عهد ساسانی بود که به بزرگان واگذار شده بود، تا در برابر آن، شاهنشاه را در نبردها یاری دهند، اما این مالکان بزرگ هرگز به حمایت سروران تازه به دوران رسیده سلوکی برخاستند و آنها را یاری نکردند. این ندرت را می‌توان از گروه بسیار اندک سواران ایرانی که همان ارتشتاران‌اند، در سپاه سلوکیان دریافت. نتیجه‌ی این امر بود که سلوکیان فقط بر یونانیان و شهرهای یونانی‌نشین آسیای صغیر تکیه می‌کردند. اما در همین دوره، وضع در خاور ایران، سرزمین بلخ و سغد، دیگرگونه بود. مالکان ارتشتار ایرانی در این منطقه از سلوکیان که تنها به فکر گرفتن خراج از ایشان بودند، با حکام یونانی همکاری کردند و بدین سبب رواج اجتماعی بلخ و سغد در این دوره به شدت شکوفا شد و به قول چانگ کثین (سیاح معروف چینی)، بلخ با تنه‌ای بیش از یک میلیون جمعیت داشت. یونانیان، بلخ را با صفت گرانبهاترین می‌شناختند و آن را گران‌ترین نام داده بودند. این نزدیکی وسیع مالکان اشرافی ایران با اشراف حاکم یونانی که به رشد اقتصادی کشور و ثروت روزافزون خاندان‌های اشرافی آسیای میانه منجر شد، نمی‌توانست بدون تلفیق‌های اجتماعی و فرهنگی باشد. در زمینه‌ی اجتماعی، تأثیر ساخت شهرک‌ها و روستاهای یونانی را می‌توان تا حدی در اوضاع روستاها و شهرک‌های آسیای میانه دید. در زمینه فرهنگی بارزترین اثر این دوره استفاده از الفبای یونانی در بلخ است که آثار بسیاری از آن در دست است» (بهار، ۱۳۵۲: ۶۱-۵۸). به گمان مهرداد بهار، نگارنده‌ی کتاب اساطیر ایران، داستان رستم و اسفندیار نیز یکی از آثار این تلفیق فرهنگی

است. «اگر درست باشد که اشراف ایرانی با درباریان و اشراف یونانی باختر بیش از یک قرن محشور بوده‌اند، بی‌گمان افسانه‌های حماسی یونان برای این افراد، افسانه‌های ناشناخته‌ای نبوده است و در رأس این افسانه‌ها، داستان‌های شیرین ایلید و اُدیسه قرار دارد» (همان: ۶۵). «همچنین از منابع یونانی چنین برمی‌آید که پس از به آتش کشیدن پرسپولیس، معبدی در آنجا ساخته شد که در آن پیکره‌ای از آناهیتا قرار داشت که تلفیقی از ویژگی‌های ایزدبانوی ایرانی و ویژگی آرتمیس و آتنا بود و این نیز تأثیر متقابل فرهنگ یونانی و ایرانی را نشان می‌دهد» (گویری، ۱۳۷۲: ۶۵).

به طور کلی هدف از ادبیات تطبیقی؛ یافتن وجوه مشترک اندیشه‌ی بشر است آن‌چه یونگ از آن به عنوان ناخرداگا جمعی یاد می‌کند. «ادبیات فارسی آئینه‌ی فرهنگ ایرانی است، چراکه مسائل فرهنگی با سروده شدن، زمان خویش، مانایی بیشتری می‌یابند و با گذر زمان به عنوان مواد خام پژوهش‌های تاریخی ارزش خود را روشن‌تر می‌سازند. اما بهره‌گیری روشن‌تر از اسطوره‌ها و مصداق‌های اسطوره‌ای در برابر برخی شاعران به نوعی یادآوری داشته‌های فرهنگی یک قوم یا ملت است. اسطوره‌هایی که مرز میان افسانه و تاریخ است، در این مرز، گاه افسانه‌ها پیرنگ‌ترند و گاه رگه‌هایی از تاریخ خودنمایی می‌کنند» (رنوان: ۱۳۱: ۱۹۱-۱۹۸). ذکر این نکته حایز اهمیت است که در ادبیات کهن بسیاری از ملل، در اساطیر، افسانه‌ها، برها و داستان‌ها، بارها از رویین‌تنان افسانه‌ای سخن به میان آمده است. پهلوانانی که نامشان به عنوان صاحب‌بانی بی‌نظیر و نام‌آور ذکر شده است. اما این رویین‌تنان اسطوره‌ای و فوق‌انسان؛ متعلق به یک مآب، زاد و یک منطقه نیستند، بلکه تقریباً در میان همه‌ی ملّت‌ها وجود دارند. علّت آن را می‌توان جزئی از بشر به حیات جاوید، بی‌مرگی و جلوگیری از آسیب‌پذیری و نیستی، جست‌وجو کرد. بشر در سول زندگی خود همواره به دنبال دستاویزهایی بوده است که زندگی خود را در مقابل طوفان حوادث حفظ کند. یکی این مسأله، در کتب مقدّس و ادیان بزرگ نیز مطرح شده است. در اعتقادات زرتشتیان؛ زرتشت نزد اهورامزدا رفت و از او خواستار عمری جاودان شد. در تورات از سامسون سخن گفته شده است. در قرآن درسوره‌ی کهف از چشمه‌ی آب زندگانی صحبت می‌شود که هر کس از آن بنوشد، آسیب‌ناپذیر خواهد شد. به این ترتیب اسطوره‌های مربوط به جاودانگی؛ افسانه‌ها و روایاتی هستند که تمام آرمان‌ها و آرزوهای ایده‌آل بشر را در وجود شخصیتی افسانه‌ای یا تاریخی جای می‌دهند.

از جمله موارد مشابه در سه اثر ایللیاد، اُدیسه و شاهنامه عبارتند از:

۱. نماد کوه در منظومه‌های ایللیاد، اُدیسه و شاهنامه

۲. خدایان، پادشاهان و قهرمانان

۳. ایزدبانوان و زنان

۴. طبیعت و پندارهای مابعدالطبیعی

۵. آداب نبرد و سوگواری

این موارد اشتراک میان منظومه‌های حماسی یونان و ایران، نویسندگان را بر آن داشت تا ضمن معرفی ادبیات حماسی این دو سرزمین، به بررسی تطبیقی زمینه‌های اشتراک در حماسه‌های یونان و ایران باستان پردازند.

دکتر مجیر مددی و زهرا سلیمانی

پاییز ۱۳۹۷